

آثار حلم و بردباری در زندگی فردی و اجتماعی به ابتدای ثقلین

زهره شیردل^۱*

وجیهه شیردل^۲

محمدشتا بدرا^۳

چکیده

یکی از مسائل بشر در تمامی اعصار نحوه مواجهه با سختی‌ها و شدائد بوده است که کیفیت مواجهه را به سوی آزمون و خطا در نحوه مدیریت وقایع و حوادث سوق داده است؛ اما وقتی این وقایع به سوی مصیبت در غم از دست دادن عزیزی و یا مهیا کردن زمینه عصیان و گناه و یا نافرمانی و سایر آثار مترتب بر زندگی در سرای مادی پیش می‌رود، بر صعب و سختی آزمون و ابتلا افزوده می‌شود؛ لذا انسان با اعطای نعمت ویژه‌ای از جانب خداوند، مزین به نعمت صبر و حلم و بردباری شد که می‌توانست انسان را از مواجهه با هر گونه سختی و مضیقه‌ها موفق کند و با افزودن بر قدرت کنترل درونی و کنترل تمامی قوا به ویژه خشم و غضب در مسیر بازگرداندن آرامش و سکینه و طمأنینه به زندگی گام بردارد. بنا به اهمیت این موضوع که نقش مهمی در رشد مادی و معنوی فرد در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی دارد، این مقاله که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی تدوین شده است، تلاش نمود با بررسی مقوله به ابتدای مصادر ثقلین کبیر- قرآن و روایات- به تبیینی از آثار و تأثیرات صبر و حلم بر زندگی فردی و اجتماعی بپردازد که نتایج تحقیق نشان‌گر اهمیت بالای فضیلت حلم و بردباری و خصایص آن در دین اسلام و فطرت انسانی بود؛ تحقق مقامی که صابران و حلیمان با مزین شدن به آن، مسیر گشوده‌سازی برکات الهی را در سفر معراجی به عالم معنا با پای دل طی می‌کنند.

واژگان کلیدی: حلم و بردباری، زندگی فردی، زندگی اجتماعی، ثقلین

مقدمه

حلم و بردباری در ادبیات و مبانی دینی به عنوان اکسیری است که راه گشایش و فتح برای رسیدن به درجات بالای انسانی را باز می‌کند. امام صادق^۶ خطاب به پسر جندب می‌فرماید:

«لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰: ۲۱۹) اگر شیعیانمان

استقامت ورزند، ملائکه با آنها دست می‌دهند.

۱. * (نویسنده مسئول) مهندس نرم افزار و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق قضایی، m78562924@gmail.com

۲. طلبه سطح دوم حوزه علمیه الزهراء^۳ دزفول، vagiehesh@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی و پژوهشگر جامعه المصطفی^۹ العالمية، shetabadra14@gmail.com

بنابراین، صبر و حلم که از آن با تعبیر مختلفی مثل صبوری، تصبر یا خود را به صبر عادت دادن، شکیبایی، استقامت، پایداری و مقاومت و یا سایر تعبیر یاد می‌شود، از عوامل مهم در مسیر رسیدن به موفقیت با تحصیل اهداف است؛ چرا که حوادث و مشکلات در مسیر رسیدن به مقصد بسیار است اما باید روحیه استقامت را در خود پرورش داد تا بتوان این راه را به بهترین شکل طی کرد و به مقصد رسید. (ر. ک: محمدشاهی، حلقه علمی بلاغ)

از طرف دیگر، درک معنایی و باطنی مقام صبر که در مبانی دینی از جایگاهی رفیع برخوردار است، نمایان‌گر ضرورت و اهمیت این فضیلت بزرگ انسانی است؛ چرا که زیست انسانی و عالم خلقت، متکثر از ابتلائاتی است که در موارد زیادی با مضایق و رنج‌هایی همراه است که گوهر انسانی در مواجهه با این سختی‌ها صیقل می‌خورد و به استناد مبنای مقاومت، هر چه انسان در مسیر رو به جلو از صبر و استقامت و حلم درونی و بیرونی برخوردارتر باشد و مجهز به این سلاح تدریجاً اثرگذار شود، مسیر عبودیت را تا ایصال به مقام لقاء به صورت هموارتری طی می‌کند.

بر این اساس، در این مقاله تلاش می‌شود با تمرکز بر هدف اصلی که عبارت است از مفهوم‌شناسی صبر و استقامت و آثار آن، به این پرسش راهبردی پاسخ داده شود که آثار حلم و بردباری در زندگی فردی و اجتماعی به ابتدای ثقلین چیست و چگونه اثبات می‌شود؟ البته در حوزه پژوهش، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده که این پژوهش نیز در راستای سایر تحقیقات، می‌تواند با رویکردی جدید و دسته‌بندی ساده‌تری به تبیین این مسئله مهم در طول خلقت بشری بپردازد. بیان این نکته نیز لازم است که مورد بررسی مطابق با رویکرد نقلی و مبانی مرجع دینی - قرآن کریم و سنت و سیره - خواهد بود.

مبانی نظری حلم و بردباری

حلم در لغت به معنی آهستگی، شکیبایی، بردباری، شکایت نکردن از بلاها و شداید و انتظار فرج است (معین، ۱۳۸۵: ۵۳۴) و در اصطلاح به خودداری نفس بر طبق مقتضای عقل و شرع گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵۲۳)

این نوع صفت که یکی از مجموع صفات و فضایل اخلاقی و بلکه دینی به شمار می‌آید، رهنمون‌ساز به معنا و مفهومی از مسائل و موضوعات است که انسان را در مواجهه شدن با شداید و تنگناها - به اصطلاح - آبدیده می‌کند و مرکبی آماده برای حرکت است؛ چرا که تا مرکبی آماده در اختیار انسان نباشد، شرایط رسیدن به مقصد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

نبی مکرم اسلام^۹ می‌فرماید:

«الصَّبْرُ خَيْرٌ مَرَكَبٍ»؛ (مشرف الشامی العاملی، ۱۳۴۲: ۲۹) صبر، بهترین مرکب سواری است.

بر این اساس، با استعانت از صبر و حلم و بردباری می‌توان برای غلبه بر مشکلات به مستمسکی وثیق در مسیر تحقق اهداف تکیه کرد.

به طور کلی، در بین صفات اخلاقی اشاره شده در قرآن کریم، صبر و حلم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که حتی وجود مقدس رسول اکرم^۹ که اشرف مخلوقات و برترین خلق خدا از ازل تا ابد است، به صبر و شکیبایی سفارش و بلکه امر شده است که نشان از عظمت این صفت در ساحت قدس ربوبی دارد: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ»؛ (احقاف، ۳۵) پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

در عین حال، این تأکید و تمرکز بر صفت صبر و حلم در پیشگاه الهی بی اجر و مزد نیست؛ چه این‌که برای صابران پاداش‌های بزرگی در نظر گرفته شده است که بزرگ بودن این پاداش در کلام الهی به مثابه نیکوترین صورت بیان شده که نشان از غیر قابل توصیف بودن پاداش آن با محاسبات مادی و این‌دنیایی است:

«وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (نحل، ۹۶) و به طور مسلم به نیکوترین صورت پاداششان را خواهیم داد.

این بزرگ بودن پاداش تا بدان‌جا ادامه می‌یابد که امام صادق^۷ از پدرشان - امام کاظم^۷ نقل می‌کنند که فرمود: من در برابر کارهایی از غلامم و برخی افراد خانواده‌ام صبر می‌کنم که گویی از حنظل در کامم تلخ‌تر است. هر کس شکیبایی کند و خویشتندار باشد، بدین پایداری درجه روزه‌گیر شب زنده‌دار و درجه شهیدی که در رکاب پیامبر شمشیر زده است، بدست آورد. (قمی، بی‌تا: ۲۲۶)

در ادامه به برخی از مهم‌ترین پاداش‌های مورد اشاره، پرداخته می‌شود:

- بهره‌مندی از نعمات خاص؛ (ر. ک: انسان، ۱۲)
- پاداش مضاعف؛ (ر. ک: قصص، ۵۴)
- وصال به مقام محمود؛ (ر. ک: اسراء، ۷۹)
- استقرار در جایگاه امن و مطمئن (ر. ک: فجر، ۲۸-۲۷).

به واسطه همین اهمیت صبر و حلم، در مصادر مرجع دینی بر مزین ساختن خود به این صفت در تمامی سکناات و حالات تأکید شده که گاهی با توصیه و سفارش است و گاهی به صورت امری و دستوری؛ هم‌چنان که در قرآن کریم که واژه صبر و مشتقات آن ۱۰۳ بار به کار رفته، در برخی آیات به صورت امری با تعبیر إصبر به کار رفته (ر. ک: انفال، ۴۶؛ اعراف، ۸۷؛ یونس، ۱۰۹؛ طه، ۱۳۰؛ هود، ۱۱۵ و ۴۹؛ کهف، ۲۸؛ روم، ۶۰؛ غافر،

۷۷ و ۵۵؛ لقمان، ۱۷؛ طور، ۴۸؛ قمر، ۲۷؛ مزمل، ۱۰؛ معارج، ۵) و در آیات دیگر به همراهی خداوند با صابران و دوست داشتن آن‌ها توسط خدای متعال با تعبیر «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» یا «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» اشاره شده است (ر. ک: بقره، ۲۴۹ و ۱۵۳؛ آل عمران، ۱۴۶؛ انفال، ۶۶ و ۴۶).

در روایات نیز این معنا مشاهده می‌شود:

امیرالمؤمنین علی^۷ در وصیت مشهوری که خطاب به امام حسن^۸ نوشته‌اند، ایشان را به پوشاندن لباس صبر سفارش نموده است:

«وَأَشْعِرْهُ بِالصَّبْرِ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) لباس صبر بر قلب بپوشان.

نکته قابل تأمل و پرمعنا در این میان، تحویل بردن صبر بر قلب است؛ چه این که منظور این است که حلم و بردباری، همانند لباس زیر به قلب می‌چسبد و با متن و حاق قلب تماس پیدا می‌کند؛ لذا این نوع لباس که در قلب تأثیر دارد، حالتی در قلب بوجود می‌آورد که او را از جزع و بی‌تابی رها می‌سازد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۲)

مطلب دیگر این که صفت حلم و بردباری با توجه به منظومه هماهنگ فضائل اخلاقی در دین اسلام، نقش چترگستر و زمینه‌ساز تحقق سایر فضائل را دارد؛ چرا که برای آراستن هر فضیلت و پیراستن هر رذیله‌ای از خود و جامعه، صبر لازم است و صبوری باید کرد؛ چون هر کجا بی‌طاقتی و بی‌صبری و ناشکیبایی پیش آید، فرد و جامعه از پی‌جویی هدف خود بریده شده و به سمت ارتکاب و عصیان گام برمی‌دارد؛ لذا صبر و حلم علاوه بر هماهنگ بودن با سایر فضائل انسانی، نقشی چترگستر و زمینه‌ساز برای تحقق سایر فضائل و تجنب از رذائل دارد.

قرآن کریم با توجه به نقش این صفت بر سایر صفات اخلاقی و انسانی و هماهنگی آن با سایر صفات، گاهی همین معنای صبر و حلم را در تعبیر دیگری به کار می‌برد که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌شود:

- یقین؛ (ر. ک: سجده، ۲۴)

- شکر؛ (ر. ک: ابراهیم، ۵؛ لقمان، ۳۱؛ سباء، ۱۹؛ شوری، ۳۳)

- توکل؛ (ر. ک: نحل، ۴۲)

- نیایش؛ (ر. ک: بقره، ۱۵۳)

- عمل صالح (ر. ک: هود، ۱۱).

پیش از پایان این بخش، بیان این نکته نیز لازم است که صبر و حلم و بردباری و خود را در موضع صبر قرار دادن و عادت دادن به صبر در عین این که از حیث معنایی و کلیات مفهومی مشترک بوده و بر پایداری و

مقاومت و مناعت طبع تمرکز داشته و بر بلندای عرفان گام می‌گذارد؛ اما به واسطه ریزه‌کاری‌های مفهومی در مبانی دینی، تمایز مستتری نیز میان آن‌ها مشاهده می‌شود.

پیش از بیان فصل تمییز، به دیدگاه قائلین به عدم تفاوت میان صبر و حلم اشاره می‌شود که معتقدند:

- وَالْحَلِيمُ فِي صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: معناه الصبور؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۴۵) حلیم که یکی از صفات پروردگار است، معنایش صبور است.
- وصف الله بالصبر انما هو بمعنى الحلم وهو تأخير العقوبة عن المستحقين لها؛ (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۵) توصیف خداوند به صبور بودن، معنایش حلم خداست؛ یعنی تأخیر انداختن عذاب کسانی که مستحق عذاب هستند.

در نقطه مقابل این دیدگاه، قائلین به تفکیک و تفاوت هستند که به دیدگاه این دسته نیز اشاره می‌شود:

- صبر ضد و مقابل بی‌تابی و جزع و فزع نمودن و حالت خویشتن‌داری در برابر ناملايمات و اموری است که از بیرون بر انسان وارد می‌شود و انسان باید در برابر آن خویشتن‌داری نموده و مشکل را حل کند؛ اما حلم در مقابل خشم و غضب و ضد آن‌هاست؛ یعنی اگر برای انسان حادثه‌ای پیش آمد و او عصبانی نشد، این جزو صبر نیست، بلکه جزو حلم است. به عنوان مثال؛ هر گاه بار سنگین غضبی بر انسان وارد می‌شود، اگر این غضب او را وادار کرد که خلاف بگوید و دست به خلاف بزند، معلوم می‌شود که حلیم نیست، اما اگر - عند الغضب - آن طیش و حمله و خشم را مهار کرد و این بار سنگین غضب را به دوش کشید، می‌گویند او شخصی حلیم است که در تعبيرات فارسی می‌گویند بردبار است. چنین شخصی از درون استوار است و آتشفشان خشم خود را فرو می‌کشد و بر اساس عقل و علم رفتار می‌کند نه بر اساس هیجان و عواطف و احساسات. (ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی اسراء)

- الحلم: ضبط النفس عن هیجان الغضب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۳) / الحلم بمعنی إنضباط النفس والطبع عن هیجان الغضب وعن الإحساسات وحصول حالة السكون والطمأنينة والصبر فی مقابل ما لا یلائم الطبع فی مقابل العجلة والطیش والنزق و الغضب؛ (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۷۲) حلم خودداری شخص در برابر هیجانات غضب و احساسات و به دست آوردن حالت آرامش، اطمینان و بردباری است، در برابر عجله که با طبع بشر سازگاری ندارد.

- الفرق بین الحلیم و الصبور ان المذنب لا یأمن العقوبة فی صفة الصبور كما یأمنها فی صفة الحلیم؛ (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۵) فرد گناهکار در برابر شخصی که صفت صبور دارد، ایمن از عذاب نیست؛ اما در برابر شخصی که صفت حلیم دارد از عذاب ایمن است.

- گاهی صبر وجود دارد، اما در مرتبه کلامی و در مقام حفظ ظاهر است؛ یعنی اگر کسی فرد مواجه شده با مشکل که به عنوان مثال فرزند یا عزیزی از دست داده، دچار ورشکستگی مالی شده و مواجه شده با هر مسئله دیگر را مشاهده کند در حالی که او آرام است - به طور طبیعی - گمان می‌کند او در مقام تحمل قرار دارد؛ اما هرگاه این تحمل به چشیدن لذت آزمون و ابتلای الهی مبدل شود و فرد صبور بداند و بفهمد که این محمل صبر، آزمون و امتحانی برای ارتقای مقامات و روح اوست، این نوع صبر به قلب و جان انسان بازمی‌گردد؛ لذا صبر هر چند در هر درجه‌اش ممدوح است، اما میان صبر ظاهری با صبر عجین گشته با دل و جان که برای انسان به ملکه و عادت‌ی ارادی تبدیل شده، تفاوت معناداری وجود دارد که تنها آن دسته افرادی که در مسیر صبر پیشگام باشند، می‌توانند به این مقام و مقامات و سفر به ماورا برسند.

قرآن کریم در توصیف این دسته از انسان‌ها می‌فرماید:

«وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت، ۳۵) و به این مقام نمی‌

رسند جز کسانی که شکیباً بوده و از بهره‌ای بزرگ بهره‌مند باشند.

بنابراین، صفت حلم زمانی که به انسان نسبت داده شود، از شریف‌ترین صفات انسانی و در ستایش غریزه بشری است که باعث ترقی انسان به سوی کمالات می‌شود و انسان به وسیله این صفت می‌تواند به سکون و آرامش دست یابد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۷۲)

به طور کلی، زندگی انسان بنا به ترسیم خلقتش، با سختی و ابتلا و رنج همراه است (ر. ک: بلد، ۴) که هر چه انسان با صبر و حلم در این مسیر، موفق‌تر شود، به همان میزان و بلکه بیشتر به اکتساب فضائل و مقامات روحانی نائل خواهد آمد؛ مضافاً آن‌که با هر سختی و رنجی، آسانی و ساده‌شدنی نیز وجود دارد که این معنا از آیه جذاب قرآن کریم اخذ شده است که:

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح، ۷) مسلماً با [هر] سختی آسانی است.

نتیجه آن‌که صبر و حلم در عین اشتراک معنایی، تفاوتی نیز با هم دارند؛ اما چون نوع تفاوت از جنس ناهم‌سختی نیست و البته موضوع پژوهش به صورت وجه جمع میان صبر و حلم و شکیبایی و بردباری و استقامت و پایداری و سایر صفات مترتب بر آن به منظور نمایش آثار و در حوزه کارکردی است؛ لذا در این پژوهش - تعمداً - از تفاوت میان این دو چشم‌پوشی می‌شود و تکیه بر معنای مشترک میان آن‌ها می‌شود.

گونه‌شناسی صبر و حلم

صبر و حلم نیز بسان سایر صفات و فضائل بر انواع و اقسامی تقسیم می‌شوند که با تتبع انجام شده، به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی سه‌گانه پیامبر اسلام^۹ مشهورترین تقسیمات صبر باشد:

«الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ»؛ (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۷۸)

صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت.

صبر در مصیبت که در قرآن کریم آمده است:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ (بقره، ۱۵۶-۱۵۵) و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را، کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.

به معنای صبر بر انواع بلاهاست که بلاها اگر کفاره گناهان باشند و فرد به این باور برسد که خداوند از روی فضل و کرم این بلاها را در عوض عذاب آخرت قرار داده، صبر شیرین خواهد بود و رضایت به قضای الهی را در بر خواهد داشت (حبیبیان، ۱۳۶۹: ۷۵) که عالی‌ترین مصداق این نوع صبر را می‌توان در جریان کربلا و در شخصیت عظیم امام حسین^۷ و یا حضرت زینب کبری^۳ مشاهده کرد که در پاسخ به جملات کفرآمیز ابن مرجانه و در کاخ او پس از دیدن آن همه صحنه هولناک که مثل آن در تاریخ تکرار نشده است، می‌فرماید:

«وَمَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»؛ (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۵) به جز زیبایی چیزی ندیدم.

البته این معنای صبر بر مصیبت و صبر جمیل در حدیث قدسی نیز وارد شده است:

«إِذَا وَجَّهْتُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبْدِي مُصِيبَةً... ثُمَّ اسْتَقْبَلَ ذَلِكَ بِصَبْرٍ جَمِيلٍ اسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَنْصِبَ لَهُ مِيزَانًا أَوْ أَنْشُرَ لَهُ دِيْوَانًا»؛ (الوسی بغدادی، بی‌تا، ج ۲۹: ۱۲۰) هنگامی که مصیبتی را متوجه یکی از بندگانم می‌کنم و او با صبر جمیل با آن برخورد می‌کند، حیا می‌کنم که در قیامت نامه عمل او را بگشایم و اعمالش را بسنجم.

بنابراین، مطابق با قواعد این نوع صبر که از آن به عنوان صبر جمیل یاد می‌شود، لازم انسان شکیبایی کند و چهره این شکیبایی را با سخنان زننده که نشانه ناسپاسی و عدم تحمل حادثه است، زشت نسازد؛ چرا که

فرد با ایمان و پزیرفت کسی است که در حوادث، پیمانه صبرش لبریز نمی‌گردد و سخنی که نشان دهنده ناسپاسی باشد بر زبان جاری نمی‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۳۵۱)

قسم دیگر، صبر بر اطاعت است که در قبال تکالیف دینی بر عهده مکلفین نهاده شده است: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا»؛ (مریم، ۶۵) همان خدایی که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و هر چه بین آنهاست، پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن. آیا دیگری را مانند او به نام خدا خواهی یافت؟

این نوع صبر، توام با سختی‌هایی است که امام صادق^۷ در توصیف آن می‌فرماید: ضربه بلاها و مصیبت‌های راه عبادت، همانند برخورد سنگ با تخم مرغ، شکننده است؛ از این‌رو پیش از آنها صبر خلق شد تا سنگ زیرین آسیاب زندگی مؤمن باشد و تا با گرفتن ضربه‌ها مانع از وارد آمدن همه فشارها به روح مؤمن گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۹۸)

اما این نوع صبر اگر شیرینی آن چشیده شود، صبر بر طاعت به چشیدن لذت عبادت منجر خواهد شد. قسم سوم نیز صبر بر معصیت است که انسان باید در مواجهه با صحنه‌های گناه‌آلود و زمینه‌های گناه نلغزد و مراقب گفتار و کردار و اعمال خود باشد و بلکه در این راه استقامت بورزد و دامن خود را به گناه و عصیان آلوده نسازد که در غیر این صورت به شقاوت و مسخ‌شدگی گرفتار خواهد شد. (ر. ک: مائده، ۶۰) قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَئِنْ أَدْنَاهُمْ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا»؛ (هود، ۱۰) و اگر آدمی را به نعمتی پس از محنتی که به او رسیده باشد رسانیم، گوید که دیگر روزگار زحمت و رنج من سرآمده، سرگرم شادمانی و مفاخرت گردد.

البته رسیدن به صبر بر معصیت، به سادگی گفتن آن نیست؛ هم‌چنان که ملا محسن فیض کاشانی- صاحب محجة البیضاء- می‌نویسد:

«الْبَلَاءُ يَصْبِرُ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ وَالْعَوَا فِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّادِقُ»؛ (فیض کاشانی، بی‌تا: ۳۰۹) بنده مؤمن بر بلا صبر می‌کند، اما فقط انسان صدیق است که از گناهان می‌گذرد.

مطلب دیگر این‌که کسانی که بر ترک گناه صابرند- معمولاً- صبر بر طاعت و مصیبت نیز دارند و آنان که در اطاعت خدا صابرند، صبر بر مصیبت نیز دارند؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۹۸) هم‌چنان که خواجه عبدالله انصاری- عارف نامی- می‌نویسد:

سالک، وعید خداوند را پیوسته در نظر دارد و این صبر بر معصیت برای آن است که ایمانش باقی و پایدار بماند و از کیفر در امان ماند و برتر از آن این است که صبر بر عدم ارتکاب گناه از روی حیا باشد. (شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۱۱)

البته تقسیمات دیگری نیز می‌توان برای صبر و حلم قائل شد از جمله دو تقسیم‌بندی زیر که از حیث کلی ذیل طبقه‌بندی سه‌گانه پیش‌گفته قرار می‌گیرند:

- قال علی^۷: «الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۵۲) صبر بر دو قسم است: صبر در برابر انجام کار خوبی که دوست نداری و صبر بر ترک کار بدی که دوست داری.

- صبر عامه (صبر برای خدا)، صبر مرید (صبر به حول و قوه خدا)، صبر سالک (صبر بر حکم خدا). (شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۱۳)

خصایص و اسوه‌های صابران و حلیمان در معارف دینی

شناسایی هر فرد و قومی به واسطه ویژگی‌ها و شرایط عام و خاصی که دارند- فطری، غریزی یا اکتسابی- امکان‌پذیر است که صابران و حلیمان نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ لذا با ویژگی‌های خاص خود شناخته می‌شوند که در جدول زیر به برخی از مهم‌ترین این خصایص که با برداشتی شهودی از مفاهیم و ادبیات دینی احصا شده، اشاره می‌شود؛ هر چند تبیین این خصیصه‌ها با توجه به بسط اشتدادی و توسع مفهومی اصل مقوله که قائلین به آن را شبیه خود می‌کند، گسترده‌تر از جدول زیر است و اکتشاف تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن با استفاده از مطالعات پایه و پانل دلفی، می‌تواند موضوع تحقیقات گسترده‌تری باشد.

جدول ۱: خصایص صابران و حلیمان

ردیف	خصیصه	ردیف	خصیصه
۱	راضی به رضای الهی	۱۲	مقابله با تنیدگی و کاهلی و بی‌انگیزگی
۲	تسلیم در برابر امر الهی	۱۳	مدیریت و کنترل هیجانات
۳	شکر و اطاعت و عبادت الهی با وجود مصائب گوناگون	۱۴	سختکوشی و تلاش فراوان
۴	تلاش در جهت کسب رضایت خدا	۱۵	بزرگی روح و توان تحمل سختی‌ها
۵	خویشترن‌دار و متوکل به خدا	۱۶	برخورداری از توان و مقاومت بالا
۶	بهره‌مندی از عقل	۱۷	اهل گذشت از ظلم و اشتباهات دیگران
۷	مبارزه با تمایلات نفس اماره	۱۸	حلم در برابر زخم زبان و تهمت و کنایه‌ها
۸	بردباری و حلم در تعاملات اجتماعی	۱۹	توانایی کنترل خشم و غضب

۹	هدفداری و ارزشمند بودن هدف	۲۰	سکوت و حفظ آرامش در مواجهه با مصائب
۱۰	برخورد منطقی با پدیده‌ها و حوادث	۲۱	صلابت و ثبات رأی و ثابت قدم بودن
۱۱	خودکنترلی در موقعیت‌های مختلف	۲۲	یاد مرگ و در انتظار مرگ بودن

از طرف دیگر، در فرهنگ و معارف اسلامی و با مطالعه تاریخ ادیان و تاریخ اسلام، می‌توان نمونه‌ها و اسوه‌های موفق و حتی مشهوری از صابران و حلیمان و آراستگان به این صفت ویژه و مهم مشاهده کرد که برخی از این دسته در قرآن کریم مورد عنایت و تمجید قرار گرفته‌اند.

از جمله این افراد می‌توان به نوح نبی، ایوب نبی، اسماعیل نبی، ادریس نبی، ذاکفل نبی (ر. ک: انبیاء، ۸۵)، یعقوب نبی و پیامبران اولوالعزم اشاره کرد (ر. ک: احقاف، ۳۵)؛ هر چند اگر بخواهیم سیمای صابران و حلیمان و اسوه‌های ایشان را در معارف دین اسلام جستجو کنیم، الگوی ائمه اطهار نمونه‌های بی‌مثالی هستند که برای همیشه تاریخ الگو خواهند بود.

در ادامه تنها به دو نمونه از این مصادیق اشاره می‌شود:

- دوران پسا رسول الله^۹ و حجم فشارها بر امیرالمؤمنین علی^۷

این دوران حدوداً سه دهه‌ای بسیار سخت گذشت و در دوران بازگشت به منصب غدیر خم نیز سه جنگ بر حضرت تحمیل کردند؛ در حالی که مجموع این دوران، کمتر از ۵ سال بود؛ لذا حضرت در بیان این وقایع پس از رسول اکرم^۹ آن جمله تاریخ را فرمودند:

«رَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاطَا أَحْجَى فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدْئِي وَفِي الْحَلْقِ شَجِي»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۳)

مشاهده کردم صبر و استقامت به عقل و خرد نزدیک‌تر است، از این رو با این‌که همانند کسی بودم که خاشاک چشمش را فرا گرفته و استخوان در راه گلویش گیر کرده، صبر و استقامت نمودم.

- واقعه کربلا و حالات امام حسین^۷

حمید بن مسلم که در کتاب‌های مقاتل و اسناد تاریخی به عنوان یکی از راویان واقعه کربلا از او نام برده می‌شود و از لشکریان سپاه عمر بن سعد بوده، با مشاهده حالات حضرت در بحبوحه ایصال به وقت شهادت، چنین ترسیم‌گری می‌کند:

سوگند به خدا هرگز مرد گرفتاری را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند، در عین حال دلاورتر از حسین باشد، او با شمشیر بر دشمنان حمله می‌کرد و آنها از طرف راست و چپ مانند روباهانی که از حمله شیر می‌گریزند، فرار می‌کردند و همچون ملخ‌های پراکنده در پیش رویش پراکنده می‌شدند؛ سپس حسین به مرکز خود باز می‌گشت و می‌گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (لهوف،

(۱۴۵: ۱۳۸۵)

مطلب دیگر آن‌که آراستگان به صفت صبر و حلم در مورد غیر شخص و به صورت جمعی نیز قابل اشاره هستند؛ به عنوان مثال، یک قوم یا منطقه یا شهر به این صفت متمسک شوند که در این صورت، همگی قابل تمجید خواهند بود.

تأثیرات صبر و حلم بر زندگی فردی و اجتماعی

بررسی آثار، کارکردها و تأثیرات صبر و حلم از جنبه‌های مختلف و با رویکردهای متنوعی قابل ردیابی و پی‌جویی است که بنا به هدف این پژوهش - در این بخش - به بررسی تأثیرات آن از حیث فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود:

۱. تأثیر بر زندگی فردی

- افزودن بر درجه ایمان و یقین و طمأنینه

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»؛ (حجر، ۹۹) و دائم به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین بر تو فرا رسد.

بنابراین، صبر در زندگی فردی به مثابه عاملی است که موجب بالا رفتن تمرکز و توجه و نگاه به ماورا است که همین مطلب، رویکرد را به خالق هستی‌بخش جلب می‌کند؛ لذا انسان صابر و حلیم - روز به روز - بر درجه ایمانش افزوده می‌شود که همین ایمان به ازدیاد یقین و رسیدن به طمأنینه منجر خواهد شد. امیرالمؤمنین علی^۷ با توجه به این مسئله، می‌فرماید:

«أَصْلُ الصَّبْرِ حُسْنُ الْيَقِينِ بِاللَّهِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۷۳) اصل صبر، نیکویی یقین به خداست.

- رحمت و امداد خداوند

صبر و حلم از عوامل دستیابی به رحمت الهی به ویژه رحمت خاص و ویژه است که مخصوص بندگان صابر است؛ (ر. ک: بقره، ۱۵۷ و ۱۵۵؛ نحل، ۱۱۰؛ انبیاء، ۸۶-۸۵؛ ص، ۴۴-۴۳؛ حجرات، ۵) هم‌چنین از آثار صبر و حلم در فرهنگ قرآنی، امدادهای قطعی خداوند است که اگر صبر پیشه گرفته شود، خداوند عنایت خاص خواهد داشت و از طرق و راه‌هایی که انسان گمان نمی‌کند به او کمک می‌کند تا به هدف و مقصود خویش برسد. این وعده حق الهی است که در صورت شکیبایی می‌تواند مورد کمک و امدادهای خاص قرار گیرد. (ر. ک: انعام، ۳۴؛ نحل، ۱۲۸-۱۲۷؛ روم، ۶۰)

- اثرگذاری مثبت بر روح و روان انسان

وقتی انسان واجد ملکه صبر و حلم شود، به مرور زمان از توانمندی روحی و روانی بالاتری برخوردار خواهد شد تا جایی که به تدریج از اضطراب و استرس که از بیماری‌های شایع این عصر است رها شده و به جای نقد بدون مسئولیت و رها شدن در گرداب عیب‌جویی و گله و شکایت کردن از دیگران و یا نمایش ضعف‌های درونی خود با غیبت و تهمت زدن به دیگران، برای خود مسئولیت فردی و اجتماعی تعیین می‌کند و روح و روان خود را برای مقابله با مسئولیت‌های زندگی صیقل می‌دهد.

- در نظر داشتن سهل شدن با هر صعب شدن

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (انشراح، ۶-۵) پس با هر سختی البته آسانی هست و با هر سختی البته آسانی هست.

این تأکید دوباره بر همراه بودن آسانی با هر سختی - نه این‌که بعد از هر سختی، آسانی باشد - نشان می‌دهد که این سخت شدن امور حاکی از آزمایش و ابتلائی است برای سنجیدن عیار انسان؛ همان‌طور که یک معلم در کلاس درس با علم به توانمندی دانش‌آموزان به منظور ایجاد فرصتی برای محک و سنجش و شناخت خود دانش‌آموزان نسبت به خود، آزمون می‌گیرد، این‌جا نیز در پی آزمایشات قرار است عیار هر فرد سنجیده شود؛ چرا که هر مقامی به هر کس داده می‌شود، متناسب با نمایش ظرفیت خود در پی همین آزمایشات است و البته با توجه به این‌که عرصه عالم، عرصه علی‌الدوام آزمایشات است؛ پس دانستن این‌که با هر سختی، آسانی همراه است به معنای حفظ آرامش و خود را نباختن است.

پیامبر گرامی اسلام^۹ در همین ارتباط می‌فرماید:

«لَوْ دَخَلَ الْعُسْرُ كَوَّيَّ جَاءَ يُسْرَانِ فَأَخْرَجَاهُ»؛ (التنوخی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۷۵) اگر یک سختی از روزنه‌ای وارد شود، دو آسانی او را بیرون می‌کنند.

- مقاوم شدن در برابر شدائد

هر چه صبر و حلم انسان بیشتر شود، اولاً فلسفه وقوع آزمایشات و ابتلاها درک می‌شود و ثانیاً به فراخور این درک، راهبردهای مبارزه با سختی‌ها در عین قرار دادن خود در حالت مواجهه نیز حرفه‌ای‌تر و پخته‌تر می‌شود که معنا و مفهوم تقوا نیز همین است؛ یعنی خودنگهداری در تمامی حالات و در مواجهه با سختی‌ها و شدائد نه آن‌چنان که برخی به اشتباه، تقوا را پرهیزکاری و اجتناب معنا می‌کنند؛ بلکه تقوا به معنای بالا

بردن سطح خود از تأثیرپذیری‌های رایج و دارجی که حتی ممکن است مسیر انسان را در صورت غفلت، تغییر دهد.

- استقامت و پایداری

یکی دیگر از آثار صبر و حلم که ذیل بند قبل قابل طرح است، شکیبایی از عوامل استقامت به ویژه پایداری بر طریق حق و حقیقت است. (ر. ک: هود، ۱۱۵ و ۱۱۲) قرآن کریم می‌فرماید:

این دسته آیات، همان مفهوم واقعی صبر و حلم است که به معنای مقاومت و استقامت است نه وادادگی و پذیرش ظلم و ستم که به آن منظم گفته می‌شود؛ لذا انسان باید مقاومت و استقامت بورزد هر چند که مظلوم واقع شود، ولی منظم نباشد.

- ظاهر شدن خصائل آشکار و نهان

شخص صابر با مقاومتی که در برابر حوادث از خود بروز می‌دهد، به توانایی‌ها و ویژگی‌های پنهان درونی‌اش آگاهی می‌یابد؛ پس صبر، موجب شناخت بیشتر خود می‌شود. (امام خامنه‌ای، ۱۳۵۸: ۷۹-۷۸) هم‌چنین، هر چه بیشتر- انسان- در کوران سختی‌ها قرار بگیرد، هم به گوهر درونی خود بیشتر پی می‌برد و هم در حفظ و کنترل خود با تقویت صفات برجسته آشکار شده‌اش کوشا خواهد شد؛ لذا صبر و حلم، انسان را برای مواجهه با هر پیشامدی مهیا می‌کند.

- ظفرمندی در مسیر تحقق اهداف

پیروزی و موفقیت در انجام کارها از جمله آرزوهای همیشگی انسان‌ها بوده است. کسانی که واقع‌بین نیستند، گمان می‌کنند که تنها بخت و تصادف آن‌ها را یاری می‌کند؛ برخی نیز در میان عوامل موجود خود را فراموش می‌کنند و فقط دیگران را به حساب می‌آورند، اما انسان نباید شخصیت خود را فراموش کند. امیرالمؤمنین علی^۷ در این ارتباط می‌فرماید:

«لَا يَعْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳) انسان شکیبا پیروزی را از دست نمی‌دهد، هرچند زمان آن طولانی شود.

بنابراین، از آن‌جا که صبر سبب موفقیت انسان در کارها می‌شود؛ (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۱۲) نمی‌توان با غفلت و بی‌توجهی از آن عبور کرد و یا مسئله را تحویل به بی‌تفاوتی برد.

۲. تأثیر بر زندگی اجتماعی

- پی‌ریزی مستحکم پایه‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی

برای ساختن نوعی از زندگی بر مدار استحکام و قوت که با اندک تلاطمی از هم نپاشد و زندگی را به سمت و سوی طلاق عاطفی، طلاق عینی و یا قهر و غلبه و سایر صفات مذموم و کشنده زندگی در عصر مدرن سوق ندهد، باید به نوشداروی صبر و حلم تمسک جست تا ذهن و قوای ذهنی و جسمی را در مسیر درست به حرکت درآورد.

- افزایش اعتماد به نفس ذیل عزت نفس

در خانواده و جامعه‌ای که صبر به صورت نهادینه شده و ملکه‌وار تقویت شده، اعضای خانواده با اعتماد به نفس بالایی در صدد تحقق نیازها و اهداف بالاتر و والاتر حرکت می‌کنند که همین مسئله سبب ارتقای درجه عزت نفس آن‌ها نیز خواهد شد؛ چرا که اعتماد به نفس، ذیل عزت نفس تعریف می‌شود؛ البته در نظام خانوادگی، این نوع صبر با رشد فضائل اخلاقی توسط پدر و مادر تقویت خواهد شد.

- ایجاد فضای سالم و با نشاط در محیط خانوادگی و اجتماعی

صبر پدر و مادر و اطرافیان در برابر مشکلات و گذشت از خطاهای یکدیگر، فضای خانواده و جامعه را آرام و بانشاط می‌سازد. در چنین فضایی فرزندان نیز از سلامت روحی و روانی مناسبی برخوردار می‌گردند که ثمره تقویت صبر و مشاهده آن توسط فرزندان است؛ چرا که وقتی فرزندان به مشاهده رفتارهای والدین خود می‌پردازند و ملکه صبر را می‌بینند، به واقعی بودن آثار آن پی برده و خود را در معرض هم‌آوایی قرار می‌دهند.

- هم‌زیستی صمیمانه و عاشقانه

لازمه برخورداری از ارتباطی تنگاتنگ، ملکه شدن روحیه بردباری و سعه صدر است که وجود چنین روحیه‌ای انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند؛ به ویژه وقتی که این ارتباط در بنیان خانواده صورت گیرد که باعث علاقه‌مندی زوجین به هم، فرزندان به والدین و بالعکس و حتی ارتباطات میان اقوام خواهد شد.

- جلب محبت

در قرآن کریم از دیگر آثار صبر و حلم را می‌توان در مواجهه با بد رفتاری‌های دیگران و دفع آن به بهترین شیوه به جلب دوستی و زمینه برطرف شدن دشمنی‌ها و کدورت‌ها اشاره کرد که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. (ر. ک: فصلت، ۳۵-۳۴)

- فرجام نیک

از جمله تأثیرات صبر و حلم در زندگی اجتماعی، می‌توان به بهره‌مندی از فرجام نیک و عاقبت به خیری اشاره کرد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. (ر. ک: هود، ۴۹؛ طه، ۱۳۲)

- خوشبختی

از مهم‌ترین آثار و پیامدهای صبر و حلم در نظام خانواده و اجتماع، می‌توان به همان فلسفه و غایت زندگی اشاره کرد؛ این‌که هر کسی دوست دارد خوشبخت و سعادتمند باشد، یعنی آرامش و آسایش جاودانه بدون درد و رنج و گرسنگی و تشنگی، عریانی و سرمای و مانند آن‌ها داشته باشد و هرگز خوف و ترس از دست دادن آن وجود نداشته باشد.

امام موسی کاظم^۷ می‌فرماید:

«إصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَاصْبِرْ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهَا فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُورًا وَلَا حُزْنَ وَمَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۱۱) بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکبیا باش، زیرا دنیا لحظه‌ای بیش نیست، آن‌چه گذشته جای شادی و غم ندارد و از آن‌چه نیامده نیز خبری نداری؛ پس لحظه‌ای را که در آن به سر می‌بری، صبور باش چنان‌که گویی خوشبخت و خوشحال هستی.

- کاهش آسیب‌های اجتماعی

از جمله ثمرات آشکار و مستتر صبر و حلم در ارتباطات اجتماعی که به حسب تعاملات شکل گرفته حادث می‌شود، دور شدن خانواده تربیت یافته در جامعه از بزه و آسیب‌های منتج از جرم و اختلال در کارکردهای اجتماعی است؛ مقوله‌ای که اشعار به این نکته است که پی‌جویی و نهادی‌سازی معنا و مفهوم صبر و حلم در جامعه به معنای محقق ساختن شعار «پیشگیری بهتر و بلکه مقدم بر درمان است».

بر این اساس و با فراگیری آموزش و تمرین صبر و حلم در جامعه، می‌توان شاهد کاهش ورودی پرونده‌های قضایی ناشی از خشونت‌های اجتماعی، طلاق، درگیری‌ها و نزاع‌های خیابانی، تصادفات جاده‌ای، تضییع حقوق شهروندی، مسائل مربوط به تبعیض و فاصله طبقاتی، مقایسه وضعیت خود با بهره‌مندی‌های دیگران و... بود.^۱

به‌طور کلی، نمودار آثار اشاره شده در الگوی زیر قابل مشاهده است:

۱. ر. ک: هدایتی، ۱۳۹۶.

نمودار ۱: الگوی تجمیعی آثار صبر و حلم



در یک جمع بندی تجمیعی و ناظر به آیه زیر، می توان چنین نتیجه گرفت:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ (آل عمران، ۲۰۰) ای اهل

ایمان! صبور باشید و با هم سازش و پیوند کنید و خداترس باشید، باشد که رستگار شوید.

امرهای این آیه اطلاق دارد و لذا صبر در آیه، صبر بر شدائد و صبر در طاعت خدا و صبر از معصیت- همه- را شامل می شود؛ در هر صورت مراد از آن، به قرینه «صابروا» که در مقابلش واقع شده، صبرهای فردی است و «مصابره»- مصدر «صابروا»- عبارت از صبر و تحمل اجتماعی است و بدیهی است که صبر و تحمل عمومی و همگانی از نظر قدرت و نیرو و اثر، بالاتر از صبر و تحمل فردی است و این محسوس است که فرد به تنهایی و جدای از اجتماع، با فردی که در اجتماع و وابسته به آنان است، خیلی تفاوت دارد؛ چه آن که

در ظرف اجتماع و همکاری‌های اجتماعی است که قدرت‌های فردی به یکدیگر پیوند شده و نیروی عظیمی به وجود می‌آورد. (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۵۴)

نتیجه‌گیری

صبر و حلم به عنوان شاخصی است که فضائل اخلاقی و ملکات انسانی را در فرهنگ و معارف دینی هم- چون سنجه‌ای با دایره شمول گسترده نقش‌بندی می‌کند؛ این سنجه نیز بسان سایر فضائل و ملکات و هماهنگ با آن‌ها می‌تواند به عنوان عاملی مهم در راستای رشد و ارتقای فردی، مادی و معنوی انسان و جامعه در مسیر رفاه دنیوی و سعادت‌مندی اخروی و در مجموع قرب الی الله باشد؛ لذا هر چه بر میزان و قواره‌مندی صبر و حلم افزوده شود، مقابله با شدائد و سختی‌ها نیز بر انسان ساده‌تر خواهد شد؛ چرا که رابطه مستقیمی میان صبر و حلم با ساده شدن شدائد ایجاد خواهد شد.

به بیان دیگر، امساک در تنگناها و خویش‌نشانداری به مقتضای عقل و شرع یا حبس نفس از چیزی که عقل و شرع حبس نفس از آن را اقتضا کند، ثمره صبر و حلم در برابر شدائد است که موجب می‌شود انسان بی‌تاب نشده و کم‌نیامد و خود را در مواجهه با مشکلات، تنها نبیند؛ لذا انسان صابر و حلیم- همواره- با توکل به خدا و استعانت از صبر و حلم، از چالش‌ها استقبال می‌کند و به مبارزه با چالش‌ها می‌رود و هرگاه در مصیبتی واقع شود و زمینه‌های معصیت برایش مهیا شود، صحنه‌های اطاعت و بودن در محضر خدا را به یاد می‌آورد و با کنترل نفس از به دام افتادن جلوگیری می‌کند.

نتایج این تحقیق توصیفی نشان داد که صبر و حلم و بردباری آثار فراوانی بر زندگی فردی و خانوادگی و جمعی انسان‌ها داشته و دارد که هر چه بر غنای آن از حیث کمی و کیفی افزوده شود و تجهیز انسان در مواجهه با شدائد و سختی‌ها بیشتر شود، کیفیت مواجهه نیز بهتر و مفیدتر خواهد شد و زندگی از نظم و نسق شایسته‌تری در مسیر بندگی خدا و قرب الی الله برخوردار خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۸). گفتاری در باب صبر. تهران: انتشارات امت.
۴. آلوسی بغدادی، محمود شکری (بی‌جا). روح المعانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵. ابن شعبه حرانی، علی بن الحسین (۱۴۰۰). تحف العقول عن آل الرسول^۹. تهران: انتشارات اسلامیه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۷. پایگاه اطلاع رسانی اسراء.

۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم ودرر الکلم. قم، دار الکتاب الإسلامی.
۹. التوخی، المحسن بن علی (۱۳۹۸). فرج بعد شدّة. بیروت: دارالصادر.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). مفردات فی غریب القرآن. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: نشر مرتضوی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان. بیروت: دارالقلم.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). ادب فنای مقربان. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. حبیبیان، احمد (۱۳۶۹). مرز فضایل و رذایل اخلاق: تحلیلی از واژه‌های اخلاقی متقارن. تهران: انتشارات مطبوعات دینی.
۱۴. حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.
۱۵. سیدبن طاووس (۱۳۸۵). لهوف. ترجمه علیرضا رجالی تهرانی. چاپ ۱۰. قم: انتشارات نبوغ.
۱۶. شیروانی، علی (۱۳۷۹). شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری. تهران: الزهراء ۳.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی. چاپ ۲. قم: دار العلم.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۶). کافی. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: انتشارات اسوه، تهران.
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (بی‌تا). حقایق. ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران: انتشارات شمس.
۲۰. قمی، ابن بابویه (بی‌جا). ثواب الأعمال وعقاب الأعمال. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: بی‌جا.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۲. محمدشاهی، مریم. صبر. حلقه علمی بلاغ: گروه تبلیغ و تربیت اسلامی.
۲۳. مشرف الشامی العاملي، نورالدین (۱۳۴۲). مسکن الفؤاد. نجف: بی‌جا.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲). پند جاوید. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی^۱.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). حکمت‌ها و اندرزها. تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات گلی.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد. قم: المؤتمر العالمي لإلفية الشيخ المفيد.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۰. هدایتی، فریفته (۱۳۹۶). نقش مؤثر مدارای اجتماعی در کاهش آسیب‌های اجتماعی. پژوهش خبری صدا و سیما:

<http://www.iribnews.ir/fa/news/1668213>